

ملازمه‌ی تکالیف زوجین و اخلاق مداری در خانواده، در منابع اسلامی

دل آرا نعمتی پیرعلی * راحله کاردوانی ** مهدی وکیلی ***

چکیده

نظام حقوقی خانواده در اسلام مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف خانوادگی است که با اصل معروف یا اخلاق مداری در خانواده پیوندی وثیق دارد. اهمیت این پیوند با عنایت به هدف تشکیل خانواده در قرآن کریم یعنی ایجاد مودت و رحمت در روابط زوجین و با رجوع به منابع و متون اسلامی نمایان است. مفهوم «تکالیف زوجین» در بردارنده‌ی مجموعه مسئولیت‌های هر یک از زوجین در خانواده است که در دیدگاه اسلام، با طبیعت بیولوژیکی دو جنس زن و مرد پیوندی انکارناپذیر دارد. پژوهش حاضر به روش اسنادی و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، با رجوع به متون و منابع دست اول و معتبر اسلامی، مهم‌ترین تکالیف زوجین از منظر دین اسلام در خانواده را مطرح کرده و به واکاوی توصیه‌های اخلاق مدار دین اسلام در انجام دادن این تکالیف پرداخته است. نتیجه آنکه مهم‌ترین تکالیف زوجین در خانواده در دیدگاه اسلام، انتساب سرپرستی خانواده به مرد و واگذاری مدیریت داخلی منزل به زن است. هر یک از این تکالیف کلان، مجموعه وظایفی را در برداشته و با مکانیسم‌های حقوقی و ویژه‌ای حمایت می‌شوند که بر اساس فرمایشات معصومین علیهم‌السلام، با توصیه‌های اخلاق مدار متعددی با محوریت اصل «معروف» و «حسن معاشرت» و مصادیق خوش‌رفتاری، اکرام همسر و صبر در خانواده ملازمه دارند.

واژگان کلیدی

خانواده، اخلاق مداری، تکالیف زوجین، معروف، منابع اسلامی

*- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد کرج، الهیات- علوم قرآن و حدیث
**- کارشناس ارشد رشته مطالعات زنان- حقوق زن در اسلام، دانشگاه تربیت مدرس
***- کارشناس ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات؛

تهران

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۲۹ تاریخ تأیید نهایی: ۹۰/۱۲/۲۴

مقدمه

در مکاتب متفاوت حقوقی، بررسی رابطه‌ی میان حقوق و اخلاق و دادوستدهای میان آن دو مطلبی اساسی و پردامنه است و توجه بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران را به خود معطوف داشته است. در علم حقوق، هنگام سؤال از پیوست و ملازمه‌ی حقوق و اخلاق با یکدیگر، سه رویکرد متفاوت مشاهده می‌شود. برخی، حقوق و اخلاق را دو مقوله‌ی متباین از یکدیگر دانسته، برای هر یک قلمرو خاصی قائل‌اند و هیچ رابطه‌ی منطقی بین آنها متصور نیستند. این دسته از حقوق‌دانان سخت تلاش کرده‌اند که علم حقوق را از سایر علوم به ویژه علم اخلاق پالایش کنند (هانس ۱۹۸۶: ۱۵۷). در دو رویکرد دیگر، بر پیوند وثیق بین قواعد حقوقی و اخلاقی تأکید شده است، با این تفاوت که در نظر گروهی، حقوق و اخلاق با یکدیگر اتحاد داشته، حقوق، جزئی از اخلاق تلقی می‌شود و هویتی مستقل ندارد. همچنین اخلاق، تنها یکی از مبانی ایجاد حقوق نیست بلکه عامل اصلی ایجاد و نیروی هدایتگر آن است که توانایی از بین بردن قواعد آن را نیز دارد (کاتوزیان به نقل از ریپر ۱۳۸۶: ۲۷۲). در نظر گروه سوم هر یک از حقوق و اخلاق هویتی مستقل دارند، ولی با یکدیگر در تعامل بوده و بر هم اثر می‌گذارند. این دیدگاه، هر نظام حقوقی را نیازمند یک نظام اخلاقی دانسته که همگام با آن حرکت می‌کند (کاتوزیان به نقل از رویبه ۱۳۷۲: ۱۰۵). بدین ترتیب، هر یک از نظام‌های حقوقی معاصر، با بهره‌گیری از رویکردی متمایز، قائل به وجود

گستره‌ی متفاوتی از رابطه‌ی قواعد حقوقی و اخلاقی هستند. از وجود توصیه‌های متعدد اخلاق مدار در میان آیات قرآن کریم و فرمایشات ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام ملازمه‌ی اخلاق مداری با شئون مختلف زندگی بشر در دیدگاه اسلام برمی‌آید به گونه‌ای که می‌توان معتقد بود دین اسلام برای حیات فردی و اجتماعی انسان، نظامی اخلاقی ارائه داده که پشتوانه‌ی آن نظام حقوقی است. هر چند از تعالیم دین مبین اسلام نمی‌توان به قطع و یقین، اتحاد یا استقلال قواعد اخلاقی و حقوقی را تعیین کرد، اما وجود ارتباط عمیق میان حقوق و اخلاق در اسلام، امری است که توسط بسیاری از صاحب‌نظران علم حقوق بدان تصریح شده است (خسروشاهی ۱۳۸۳: ۳۲؛ بهرامی احمدی ۱۳۸۹: ۱۶۲)، به طوری که در دیدگاه اسلام در بسیاری از موارد، استیفاء حق تنها با مراعات شروطی اخلاقی جایز شمرده شده و درحقیقت بر ملاحظات اخلاقی متوقف است، برای نمونه در نظام حقوقی خانواده در اسلام در موضوع حق تعدد زوجات برای مردان شرط برقراری «عدالت» میان همسران که در زمره‌ی مفاهیم اخلاقی است، قرار داده شده و به تصریح آیه‌ی ۳ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، مردانی که از ناتوانی در برقراری این شرط اخلاقی بیم دارند، اجازه‌ی استفاده از حق چندهمسری را نداشته و به گواهی روایات، در صورت انجام آن، عقوبت اخروی خواهند داشت (الحرالعاملی ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۳۴۲؛ مجلسی ۱۳۶۵: ۲۳۶). به اذعان علامه طباطبائی، این آیه‌ی شریفه، موضوع چندهمسرگزینی را معلق

به ترس کرده است، نه علم. پس اگر می‌ترسید بین چند همسر عدالت را برقرار نکنید، اقدام به آن ننمایید نه آنکه اگر می‌دانید که نمی‌توانید عدالت را برقرار کنید (طباطبائی ۱۳۸۴: ۲۹۹). در همین رابطه صاحب جواهر نیز استیفاء حق تعدد زوجات را در درجه‌ی اول منوط به تحقق شرط عدالت از جهات نفقه و معاشرت و در درجه‌ی بعد مستند به آیه‌ی ۱۲۹ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء به برقراری عدالت عاطفی میان همسران توسط مرد در حد متعارف متوقف می‌داند و ناتوانی زوج در ادای این عدالت جامع را مانع شرعی استیفاء این حق تلقی می‌نماید (نجفی: ج ۲۹، ص ۳۵). هر چند که در قوانین موضوعه‌ی کشور ما، برای احراز عدالت زوج، شاخص‌های دقیق و عینی تعریف و تعیین نشده است.

همچنین تعدد زوجات در دیدگاه اسلام در برخی شرایط خاص اجتماعی مانند وقوع جنگ، که اغلب به از بین رفتن شمار زیادی از مردان جامعه می‌انجامد، تنها نوعی حق برای مردان به شمار نمی‌رود، بلکه تکلیفی شرعی برای زن و مرد در راستای حفظ عفت عمومی جامعه است که ادای این تکلیف، می‌بایست با شروط اخلاقی عدالت‌ورزی زوج و صبر و گذشت زوجه باید همراه گردد (طباطبائی ۱۳۸۴: ۳۰۱). در این باره در حدیثی از رسول خدا ﷺ، برای زنانی که به واسطه‌ی ایمان و در انتظار پاداش خداوند بر رنج ناشی از تعدد زوجات همسر خویش صبر کنند وعده‌ی اجر شهید داده شده (پاینده ۱۳۸۲: ۲۹۸) که خود، نمونه‌ای از ترویج و توصیه به رعایت اصول

انسانی و اخلاق مداری در مواقع بحرانی و شرایط خاص اجتماعی و به تبع آن خانوادگی است.

بنابراین درک معنا و ضرورت برخی از حقوق و تکالیف شرعی و التزام عملی رضامندانانه بدانها بدون عنایت به نظام اخلاقی دین اسلام امکان‌پذیر نیست. این بخش از تعالیم اسلامی، بهتر می‌تواند اهمیت و ضرورت بررسی ملازمه‌ی اخلاق مداری با استیفاء حقوق و انجام دادن تکالیف شرعی را نمایان سازد. چنین ملازمه‌ای، در نهاد خانواده اهمیتی دو چندان دارد، زیرا خانواده از دیدگاه اسلام، تنها یک سازمان حقوقی نیست، بلکه نهادی است مرکب از قواعد حقوقی و اخلاقی، که در آن غلبه با اخلاق است. چرا که قدرت اساسی حاکم بر خانواده، به عنوان رکن طبیعی و بنیادین اجتماع، عواطف انسانی است. در این دیدگاه، تشکیل زندگی خانوادگی برای هر انسان، یک وظیفه‌ی بزرگ الهی محسوب می‌شود، لذا نکاح در دین اسلام مقدس و طلاق مبعوض به شمار می‌رود و هدف از تشکیل خانواده، بر اساس آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی مبارکه‌ی روم ایجاد آرامش، مودت و رحمت و زمینه‌ای برای رشد و بالندگی، تقویت و تکمیل هر یک از زن و مرد به وسیله‌ی دیگری و رکن اساسی در تحقق این اهداف، ملازمه‌ی اخلاق مداری با حقوق و تکالیف زوجین در خانواده است.

متون معتبر اسلامی، منابعی غنی در دریافت تکالیف یا مسئولیت‌های زوجین در خانواده و بیان شیوه‌ها و مصادیق اخلاق مداری در ادای این

تکالیف به شمار می‌روند. در این پژوهش، با رجوع به این منابع و با بهره‌گیری از روش اسنادی، در ابتدا به مفهوم شناسی اخلاق‌مداری و تکالیف زوجین در دیدگاه اسلام پرداخت و سپس مهم‌ترین تکالیف زوجین در خانواده و مستندات ملازمه‌ی آنها با موازین اخلاقی بیان شده است. در انتهای بحث تبیین و توضیح «اصل معاشرت به معروف و زوجین» در قوانین موضوعه‌ی ایران، مورد اهتمام واقع شده است.

۱) مفهوم شناسی اخلاق‌مداری و تکالیف زوجین

گام اول در واکاوی تکالیف زوجین و توصیه‌های اخلاقی ملازم با آنها در منابع اسلامی، شناخت مفاهیم اصلی موضوع می‌باشد. در این بخش تعریف مفاهیم «اخلاق‌مداری» و «تکالیف زوجین» در دیدگاه اسلام مطرح شده است.

۱-۱) اخلاق‌مداری

اخلاق را می‌توان در رویکردهای متفاوتی تعریف و تحدید نمود. بر این اساس - در آراء گوناگون - میزان شمول «اخلاق‌مداری» در عرصه‌های مختلف حیات بشر - اعم از اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و فردی - متفاوت است. در رویکرد اسلامی اخلاق‌مداری از مفاهیم بنیادین و ضروری زندگی انسان به شمار می‌رود و تمامی تعاملات اجتماعی و حالات فردی وی را شامل می‌شود. به طور کلی می‌توان اذعان کرد، یکی از ارکان و اهداف مهم

دین، اخلاق است. مقصود از تمام معارف دینی و انجام مناسک و شعائر ایجاد تحول اخلاقی در انسان است، به نحوی که اگر عناصر معرفتی و عبادی در دین نتوانند در حوزه‌ی اخلاقی تأثیر بگذارند به کمال خود دست نیافته‌اند. هنگامی که به آموزه‌های دین مبین اسلام نظر می‌افکنیم، درمی‌یابیم که تأکیدات قرآن کریم، انبیاء الهی و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام بر غایات و ثمرات اخلاقی و عملی در قالب تقوا، عبرت آموزی، شکرگزاری، ایمان و یقین، دریافت هدایت، عبادت الهی، نیل به رشد و رستگاری و... بیانگر ارزش بی‌همتای عنصر اخلاق در میان دیگر عناصر است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تأکید بر اهمیت عنصر اخلاق در تمامی دستورات دین اسلام فرمودند: «آئی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»؛ «همانا من برای کامل کردن کرامت‌های اخلاقی مبعوث شده‌ام» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۶۷، ص ۳۷۲).

اخلاق در لغت عرب جمع خُلُق و خُلُقُ است و در معانی سرشت، طبیعت، عادت، خوی و ... به کار می‌رود (ابن منظور ۱۴۱۴: ج ۱۰، ص ۸۸). قرآن کریم نیز واژه‌ی خُلُق را به همین معنا به کار برده است: «و إنک لعلی خلق عظیم» «به راستی که تو را خوبی والاست» (قلم: ۴) و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به عنوان والاترین مقام اخلاقی و الگوی اخلاق مداری در تمامی مناسبات انسانی به بشریت معرفی نموده است. منظور از خُلُق، نیروها و سرشت‌هایی است که با بصیرت ادراک می‌شوند و مبین صفات باطنی انسان است (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۲۹۷). بر این اساس، اخلاقیات همان ملکات و سجایای نفسانی

انسان هستند. استاد مصباح یزدی در این باره می‌گوید: «کلمه‌ی اخلاق که جمع خُلُق است در اصل لغت به معنای یک صفت نفسانی است، یا یک هیئت راسخه، یک حالتی که در نفس رسوخ داشته باشد، و موجب این بشود که افعالی که متناسب با آن صفت هست بدون احتیاج به فکر کردن و سنجیدن، از انسان صادر شود» (مصباح یزدی ۱۳۷۰: ۹). علامه طباطبایی نیز در این مورد می‌نویسد: «خُلُق عبارت است از ملکه‌ی نفسانی‌ه‌ای که از آن افعال به سهولت و راحتی صادر می‌شود که البته این مطلب خود به دو بخش فضیلت و رذیلت منقسم می‌گردد. فضایل اخلاقی عبارت‌اند از ملکات پسندیده مثل عفت و شجاعت، و رذائل اخلاقی عبارت‌اند از ملکات ناپسند، مثل هرزگی و ترس. ولی اگر مطلق ذکر شود، خلق نیکو و فضائل از آن فهمیده می‌شود» (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱۹، ص ۳۶۹). اخلاق در مفهوم اخلاق‌مداری نیز همین معنای نیکویی و فضیلت را دربردارد. بنابراین، مفهوم اخلاق‌مداری در رویکرد اسلامی شامل مجموعه‌ای از توصیه‌ها، قواعد و هنجارهایی است که بر مبنای ملکات پسندیده‌ی نفس انسان نهاده شده‌اند و در ملازمه با تکالیف و احکام شرعی، وی را به کمال مطلوب و به تعبیری دیگر به سعادت رهنمون می‌سازد.

۲-۱) تکالیف زوجین

در اصطلاح و فرهنگ دین اسلام، تکلیف به فرمان الهی اطلاق می‌شود (جوادی آملی ۱۳۸۵: ۳۰). پس التزام به تکلیف، امتثال اوامر و اجتناب از نواهی شرعی است. بر این اساس، منظور از «تکالیف زوجین در خانواده»؛

ملازمه‌ی تکالیف زوجین و اخلاق مداری در خانواده، در منابع اسلامی

مجموعه‌ای از اوامر و فرامین الهی است که بر عهده‌ی هر یک از زن و مرد در درون نهاد خانواده و در تعامل با یکدیگر و فرزندان گذاشته شده است. این تکالیف در دیدگاه اسلام با طبیعت و تکوین جسمانی زن و مرد نیز پیوند دارد. این اصل را می‌توان از وجود کارکردهای اجتماعی و خانوادگی متفاوت زن و مرد در آموزه‌های اسلامی دریافت کرد.

تکالیف زوجین در خانواده به تفصیل و با جزئیات دقیق از منابع اسلامی قابل دریافت است و در این پژوهش، به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره شده است.

۲) تکالیف زوجین و اخلاق مداری در خانواده

واکاوی مصادیق اخلاق مداری در خانواده در حیطه‌ی تکالیف زوجین، نیازمند شناخت و فهم دقیق این تکالیف است. به همین دلیل، می‌بایست تکالیف زوجین در خانواده از این منابع استخراج و سپس مصادیق ملازمه‌ی اخلاق مداری با این تکالیف بیان شود.

۱-۲) تکالیف زوجین در خانواده

«جنسیت» به عنوان یکی از مهم‌ترین ممیزات طبیعی انسان‌ها، در زمره‌ی ارکان تعیین‌کننده‌ی حقوق و تکالیف زوجین در خانواده از دیدگاه اسلام به شمار می‌رود و اساساً دلیل طبیعی و بنیادین تشکیل نهادی به نام خانواده را می‌توان تمایز جنسی انسان‌ها دانست. به گفته‌ی استاد مطهری «در

دیدگاه اسلام، اساس و ماهیت زندگی خانوادگی، شرکت و مالکیت نیست، «وحدت» است. این نوعی زندگی طبیعی است که قانون خلقت، طرح آن را در سرشت زن و مرد ریخته است، خلقت طرح این مطلب را به این شکل ریخته که دو موجود در شکل و وضع مختلف به صورت دو قطب مثبت و منفی، یکدیگر را جذب کنند و وحدتی به وجود آورند نه شرکتی، و اساس آن را مافوق عدالت تشکیل می‌دهد و آن وحدت عاطفی و فداکاری برای یکدیگر است. یعنی اساس زندگی خانوادگی را تصاحب تشکیل نمی‌دهد، اساسش وحدت است» (مطهری ۱۳۸۵: ج ۵، صص ۳۳ و ۳۴).

مهم‌ترین تدبیر دین اسلام در راستای تحقق وحدت در خانواده، تقسیم کار میان زوجین با انتساب مرد به سرپرستی و مدیریت خانواده و انتساب زن به عنوان مدیر داخلی منزل می‌باشد. ایجاد و حفظ وحدت در نهاد خانواده، منوط به تقسیم کار بر اساس پذیرش تفاوت‌های طبیعی زن و مرد است، زیرا در یک مجموعه‌ی هماهنگ، هیچ‌گاه همه‌ی اعضا نمی‌توانند مسئولیتی همانند و مشابه یکدیگر داشته باشند، بلکه وحدت و قانون‌مندی زمانی شکل می‌گیرد که هریک از اعضا در جایگاه خاص خود و به تناسب مهارت و طبیعت خویش ایفای نقش کنند.

تفاوت نقش زن و مرد در اداره‌ی خانواده، در حدیثی از رسول خدا ﷺ به روشنی بیان شده است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «كُلُّ نفس من بنی آدم سیّد، فالرّجل سیّد أهله، و المرأة سیّده بیتهَا»؛ «هر یک از

فرزندان آدم فرمانروایی است. مرد فرمانروای خانواده‌ی خویش و زن فرمانروای خانه‌ی خویش است» (پاینده ۱۳۸۲: ۶۱۴) در این کلام، «سَیِّد» به معنای سرپرست جمعیت زیاد است و به همین دلیل منظور از «سَیِّد القوم» بزرگ و سرپرست قوم و مردمی فراوان و زیاد است. همچنین زن را «سَیِّدَه» گویند به دلیل سرپرستی خانواده و فرزندانش (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۴۳۲). در این فرموده‌ی رسول خدا ﷺ هر یک از زن و مرد، مسئول حفظ دیگری و کمک به او دانسته شده است، اما تفاوت در نوع و گستره‌ی وظایف آنها در خانواده است. همچنین رسول خدا ﷺ در تأکید بر لزوم مسئولیت متقابل زن و مرد و در عین حال وظایف متفاوت آنها در خانواده می‌فرماید: «الرجل راع علی أهل بيته و كل راع مسئول عن رعيتِه و المرأة راعية علی مال زوجها و مسئولة عنه»؛ «مرد محافظ اهل خانه‌اش است و هر محافظی مسئول زیردستان خویش است و زن محافظ مال شوهرش و مسئول نگهداری از آن است» (نوری ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۴۸).

بنابراین مصلحت خانواده ایجاب می‌کند که تقسیم کار بر مبنای توانایی‌های طبیعی، میان زوجین صورت گیرد و بدین لحاظ، دین اسلام، سرپرستی کلان خانواده را به مرد واگذار کرده است. سرپرستی خانواده از جمله حقوق و در عین حال تکالیف اختصاصی مرد به شمار می‌رود و بیشترین و تأثیرگذارترین محدوده‌ی حقوق و تکالیف را برای هر یک از زن و مرد به دنبال دارد.

در قرآن کریم، ریاست خانواده با تکلیف مرد برای پرداخت نفقه و توانایی بیشتر او در این حوزه پیوند داده شده است. آیه‌ی شریفه در این باره می‌فرماید: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض وبما أنفقوا من أموالهم...»؛ «مردان سرپرست زنان‌اند؛ از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند...» (نساء: ۳۴).

بر اساس این فرموده‌ی حق تعالی مرد به دو دلیل به مدیریت خانواده منسوب گشته است؛ اول، وجوب پرداخت نفقه‌ی خانواده و دوم، توانایی تکوینی افزون‌تر در انجام دادن امور مرتبط با مدیریت خانواده (مکارم شیرازی ۱۳۵۳: ج ۳، ص ۳۷۱). هر چند از کیفیت و نوع این ویژگی‌ها در قرآن کریم ذکری به میان نیامده است.

«قوام» در لغت به معنای بسیار قیام کننده است. در مفهوم ریشه‌ی این لغت یعنی «قیام»، ویژگی‌های عزم جدی و محکم در انجام دادن عمل، حفظ و استمرار عمل و نیز جامع بودن و عدم نقصان نهفته است (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۶۹۳-۶۹۰). لذا با عنایت به مفهوم قوام، شرایط ریاست مرد بر خانواده توانایی و عزم وی در انجام دادن جامع و مستمر امور خانواده است.

در آراء فقهای امامیه، نفقه شامل همه‌ی وسایلی است که زن به تناسب محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است و داوری آن را باید بر عهده‌ی عرف گذاشت. تأکید دین اسلام در پرداخت نفقه‌ی زوجه

به تناسب آن با شأن زن می‌باشد (نجفی: ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ خوئی: ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۷۹).

مواد ۱۱۰۵ و ۱۱۰۶ قانون مدنی نیز مستنبط از آرای فقهی، ریاست خانواده را از خصایص شوهر دانسته و تکلیف وی در پرداخت نفقه‌ی زن را بیان کرده است. ماده‌ی ۱۱۰۷ قانون مدنی نیز نفقه را چنین تعریف می‌کند: «نفقه عبارت است از همه‌ی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه‌ی نقصان یا مرض». در این تعریف نیز مستنبط از فقه امامیه، به تناسب نفقه با وضعیت (شأن) زن و نیز نقش عرف جامعه در تعیین مصادیق نفقه اشاره شده، که دو رکن اساسی نفقه به شمار می‌روند.

استاد مطهری ذیل آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء درباره‌ی پرداخت نفقه و ریاست مرد بر خانواده می‌گوید: «ظاهراً آیه‌ی قرآن این است که نفقه ملاک مستقلی دارد و ریاست تا اندازه‌ای تابع اوست. یعنی ریاست به ملاک دو چیز است: یکی لزوم ایجاد قدرت در داخل خانواده و اصلحیت مرد، و دیگری وجوب انفاق مرد به زن، به ملاک اینکه او به زن نیازمند است. به علاوه، ضمناً تقسیم قدرت هم شده است. زیرا از لحاظ طبیعی، قدرت جسمانی و هیمنه‌ی آمریت با مرد است و قدرت جاذبی و تسخیری با زن. به مرد حق داده شده از حق طبیعی خود استفاده کند و زن طبعاً حق دارد از حق

طبیعی خود استفاده کند و می‌کند» (مطهری ۱۳۸۵: ج ۵، ص ۴۸). در نگرش استاد مطهری، مردان و زنان هر یک استعدادها و برتری‌هایی نسبت به یکدیگر دارند و همین تفاوت در ویژگی‌ها، دلیل الزام مرد به پرداخت نفقه و به تبع آن انتساب سرپرستی خانواده به وی از دیدگاه اسلام است. این مفهوم در آیاتی از قرآن کریم نیز اشاره شده است. زن و مرد به تعبیر قرآن کریم از جهات متفاوتی تجهیز شده‌اند و خداوند هر یک از آنها را در ویژگی‌های خاصی بر دیگری برتری داده است: «و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن و اسألوا الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیما»؛ «فضیلت و مزیتی که خداوند به وسیله‌ی آن بعضی از شما را بر بعضی برتری داده است، آرزو نکنید. هر یک از زن و مرد از آنچه اکتساب کنند بهره‌مند می‌شوند و هر چه می‌خواهید از فضل خدا درخواست کنید که خدا به همه چیز داناست» (نساء: ۳۲).

علامه طباطبائی ذیل این آیه می‌گوید: «کلمه "تمنی" که فعل نهی "لا تتمنوا" از آن گرفته شده، به معنای این است که انسان بگوید ای کاش فلان جریان فلان جور پیش می‌آمد و یا فلان چیز را می‌داشتم... و از ظاهر آیه بر می‌آید که می‌خواهد از آرزویی خاص نهی کند، و آن آرزوی داشتن برتری‌هایی است که در بین مردم ثابت است، برتری‌هایی که از تفاوت‌های بین اصناف انسان‌ها ناشی می‌شود، بعضی از صنف مردان‌اند و به همین خاطر برتری‌هایی دارند، بعضی از صنف زنان‌اند، آنها نیز به ملاک زن بودن

برتری‌های دیگری دارند» (طباطبائی ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۳۳۶).

بنابراین تفاوت در برتری‌های زن و مرد بر مبنای آیه‌ی مذکور برای اکتساب‌های متفاوتی است و نشان از برتری انسانی زن و مرد بر یکدیگر نیست. این امر در میان تمامی انسان‌ها نیز حاکم است. خداوند در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی اسراء این اصل را بیان می‌فرماید که تمامی انسان‌ها از لحاظ ویژگی‌های درونی در راه کسب فضائل اخروی متفاوت بوده، ولی تفاوت در فضائل اخروی مبنای تفاوت در دیدگاه خداوند است: «انظر کیف فضلنا بعضهم علی بعض و لآخرة أكبر درجات و أكبر تفضیلا»؛ «بنگر چگونه بعضی از مردم را (در دنیا) بر بعضی دیگر برتری و فضیلت بخشیدیم (تا بدانی که) البته مراتب آخرت بسیار بیش از درجات دنیا است و برتری خلاق بر یکدیگر به مراتب افزون از حد تصور است»، لذا هنگامی که دیدگاه دین اسلام مبنی بر تعیین ریاست مرد بر خانواده در مجموعه‌ای از تعالیم اسلامی و با عنایت به دیدگاه ارزشی این شریعت به انسان‌ها در نظر گرفته شود، می‌توان اذعان داشت طرح اسلام در این باره در راستای نیل به اهداف والای خانواده و ایجاد نظم و هماهنگی در این نهاد بنیادین جامعه و به تبع آن استحکام آن می‌باشد و ایجاد مراتب ارزشی ذاتی میان دو جنس مد نظر نیست.

در ادامه‌ی آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، تکالیف زن در خانواده در برابر وجود حق نفقه برای وی مطرح شده است: «فالصالحات قانتات حافظات للغبیب بما حفظ الله...»؛ «پس، زنانِ درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس

آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهرانِ خود] را حفظ می‌کنند...». در این کلام، وظایف و مشخصاتی در زندگی خانوادگی برای زنان معین شده است که از طرفی، با دریافت نفقه‌ی زن از شوهر و از سوی دیگر، با اطاعت و بندگی خداوند متعال پیوند دارد. این وظایف عبارت از تمکین عام به معنای «اطاعت از شوهر» و نیز حفظ شئون و منافع خانواده در غیاب وی است، البته در قرآن کریم به لفظ «تمکین» اشاره‌ی صریحی نشده است و موضوع تمکین در فقه بر اساس برداشت حاصل از مفهوم آیات و روایات است. مصادیق تمکین عام به تفصیل در روایات معصومین (علیهم‌السلام) بیان، حدود و شرایط هر یک مشخص شده است (مهریزی ۱۳۷۶: ۲۶۰-۲۴۳).

تمکین عام در یک مفهوم کلی، به معنی قبول ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده‌ی او در تولیت فرزندان و اداره‌ی مالی و اخلاقی خانواده است. حسن معاشرت زن با شوهر و اطاعت از او در امور مربوط به زناشویی نیز از آن جمله است (امامی ۱۳۷۶: ج ۴، ص ۴۴۷)، لذا خضوع و اطاعت از شوهر در محدوده‌ی دستورات شریعت به مفهوم تمکین می‌باشد و تمکین خاص به مفهوم اطاعت زن از شوهر نسبت به عمل زناشویی، بخشی از این تکلیف عام و کلی به شمار می‌رود. از مجموع عبارات‌های فقها در بیان معنای دقیق تمکین خاص بر می‌آید که این قسم از تمکین به معنی برآوردن نیازهای جنسی زوج و متابعت از او در امور زناشویی است (خوئی ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۸۷). در فقه امامیه و متأثر از آن در قوانین موضوعه‌ی ایران، حق دریافت نفقه

برای زوجه مشروط به ادای وظایف زوجیت یا تمکین دانسته شده است. صاحب جواهر حق نفقه‌ی زوجه را به شرط تمکین عام دانسته و نقطه‌ی آغاز تکلیف مرد به پرداخت نفقه را متوقف بر تمکین جنسی زن از شوهر می‌داند (نجفی: ج ۳۱، ص ۳۰۳). این موضوع در ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی چنین آمده است: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود». از سوی دیگر طبق مواد ۱۱۱۱ و ۱۱۲۹ قانون مدنی، در صورت استنکاف یا عجز مرد از پرداخت نفقه، دادگاه وی را به پرداخت نفقه ملزم می‌کند و در صورت مقاومت زوج نسبت به پرداخت نفقه، دادگاه وی را به طلاق زوجه اجبار می‌کند. مراحل قانونی مذکور که ضمانت اجرای مدنی نفقه‌ی زوجه است، مستنبط از آراء فقهای امامیه در این خصوص می‌باشد (همان: ۲۰۷؛ همان: ج ۳۰، ص ۲۰۶؛ الحرّالعالمی ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۵۰۹).

پیوند فرمانبری زن از شوهر در چارچوب خانواده و با حدود مشخص، با بندگی و اطاعت خداوند مبین مفهوم این آیه‌ی شریفه است: «إِن الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضِ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ»؛ «فرمان جز به دست خدا نیست، که حق را بیان می‌کند و او بهترین داوران است» (أنعام: ۵۷). بر این اساس، اولین و برترین فرمان دهنده به هر انسان، در هر جایگاهی، خداوند متعال است و هر امری که از انسانی صادر شود، تنها به فرمان و تأیید الهی، قابل فرمانبری و اطاعت است. بنابراین، زن در التزام به تمکین، به امر الهی گردن نهاده و

مرد نیز در رسیدگی به امور خانواده و به دوش کشیدن تکلیف پر مشقت سرپرستی و مدیریت این نهاد بنیادین، ملزم به خضوع و اطاعت از فرامین خداوند متعال است.

علاوه بر پرداخت نفقه که از مهم‌ترین تکالیف مرد در خانواده به شمار می‌رود، وظیفه‌ی پرداخت‌های مالی دیگری چون مهریه، اجرت شیردهی و اجرت‌المثل کارهای منزل نیز بر عهده‌ی مرد قرار داده شده است. بنابراین، مهم‌ترین تکالیف مرد در خانواده از دیدگاه اسلام را می‌توان حمایت‌های مالی وی از زوجه دانست. تجویز چنین تکالیفی، ارتباط مستقیمی با تکالیف زن دارد. بدین معنا که در رویکرد اسلامی به خانواده، حمایت‌های مالی از زن در راستای تکالیفی است که طبیعت وی بر دوش او قرار داده است. تکالیفی چون بارداری، زایش، شیردهی، تربیت نسل و ایجاد سکون و آرامش در فضای خانواده که امکان فعالیت‌های اقتصادی را برای زن کاهش می‌دهند. تکالیف زن در خانواده، در دو مفهوم «همسری» و «مادری»، که شامل مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و وظایف است، ظهور و بروز می‌یابند و به واقع، بقاء و سلامت خانواده را در گرو خویش دارند.

۲-۲) مصادیق اخلاق مداری زوجین در خانواده

پیوند حقوق و اخلاق در نظام حقوقی اسلام را می‌توان از وجود توصیه‌های مؤکد قرآن کریم به روابط، گفتار و رفتار مبتنی بر «معروف»، دریافت. واژه‌ی معروف از جمله واژه‌های مهم قرآنی است که بارها به عنوان

ضابطه‌ی بسیاری از رفتارها تکرار شده است و شامل هر فعلی است که عقل یا شرع به نیکی بشناسند (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۵۶۱).

اصل «معاشرت به معروف» یکی از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین اصول اخلاقی دین اسلام در خانواده و اجتماع است که در آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء بیان شده و مردان را مخاطب خویش قرار داده است. این اصل بر رفتار حقوقی و اخلاقی شوهر در خانواده حکومت دارد و علاوه بر آن، یک انقلاب معرفتی پیرامون جایگاه زن در اجتماع صدر اسلام به شمار می‌رود. آیه‌ی مذکور در بیان این اصل می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم أن ترثوا النساء کرها و لا تعزلوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن إلا أن یأتین بفاحشة مبینه و عاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعیس أن تکرهوا شیئا و یجعل الله فیہ خیرا کثیرا»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید و آنها را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] برید، مگر آنکه مرتکب عمل زشت آشکاری شوند و با آنها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنها خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد».

معاشرت در این کلام به معنای مصاحبت همراه با اختلاط است (ابن منظور ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۵۴۷) و امر معاشرت به معروف با زنان یعنی مردان جامعه، زن را یک فرد از جامعه پندارند که جزئی باشد مقوم جامعه، یعنی در تشکیل

جامعه دخیل باشد و دخالتش مساوی باشد با دخالتی که سایر اعضا دارند (طباطبائی ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۲۵۵). لذا اصل معاشرت به معروف، یک اصل برای زندگی اجتماعی زنان نیز می‌باشد و به روابط خانوادگی اختصاص ندارد (همان).

آیهی مذکور از دو جهت به حمایت جدی از گروه زنان در جامعه و خانواده اقدام نموده است. از یک سو جنبه‌ی سلبی دارد و برای زدودن دو سنت جاهلی عرب درباره‌ی زن مطرح شده و از سوی دیگر، با لحنی آمرانه و ایجابی توصیه‌ی اخلاقی «حسن معاشرت» را بیان و درصدد نهادینه کردن رفتار مناسب و انسانی با زن در خانواده و جامعه است. در این آیه، خداوند به مردان توصیه می‌کند تا حد امکان، معاشرت به معروف و رفتار شایسته را ترک نکنید و نیز در شرایط ناخوشایند تصمیم فوری به جدایی یا بدرفتاری نگیرید و تا آنجا که قدرت دارید، مدارا کنید. این توصیه در روایات بسیاری از معصومین علیهم‌السلام به صورت مختلف به زنان و مردان شده است، که در ادامه اشاره خواهد شد.

تعالیم اسلامی برای تمامی مراحل تشکیل خانواده، از انتخاب همسر تا مراسم خواستگاری و پس از آن در طول زندگی مشترک زوجین توصیه‌های اخلاقی متعددی دارد. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین شرایط در انتخاب همسر، خوش‌خلقی فرد دانسته شده و بدین وسیله بر اهمیت وافر عنصر اخلاق بر شکل‌گیری نهاد خانواده تأکید شده است. حسن‌بن بشار واسطی

در این باره از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: «به امام اَبی الحسن الرضا علیه السلام طی نامه‌ای نوشتم که یکی از بستگان من دختر مرا خواستگاری کرده و کمی تندخوست، ایشان در پاسخ فرمود: اگر اخلاقش خوب نیست به وی زن مده» (ابن بابویه ۱۳۷۶: ج ۵، ص ۴۵). همچنین توصیه به حصول اطمینان از نوع خلق و خوی زن قبل از ازدواج در روایات اسلامی مشاهده می‌شود (همان: ج ۵، ص ۱۱۵). نیز از بدو شکل‌گیری خانواده یعنی انجام مراسم خواستگاری، بر اخلاق مداری تأکید شده و خداوند متعال زن و مرد را به اتخاذ قول معروف دعوت فرموده است (بقره: ۲۳۵).

پس از تشکیل خانواده، توصیه به اخلاق مداری به دو روش انجام شده است؛ در یک بخش، به طور کلی، سفارشات فراوانی مبنی بر اکرام همسر، سازش و الفت با همسر، عذرپذیری و عذرخواهی هنگام بروز خطاها، عدم آزار زبانی یکدیگر در خانواده و ... مطرح شده است. در این باره در روایتی از امام صادق علیه السلام اکرام و بزرگداشت همسر از طرف زن از موجبات سعادت وی دانسته شده است (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۳، ص ۳۵۴) و از ویژگی‌های بهترین زنان در پیشگاه پروردگار، بسیار مهربانی کردن با شوهر و جلب رضایت او عنوان شده است (ابن ابی جمهور ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۱۸۳). از سوی دیگر، امام سجاد علیه السلام در رساله‌ی حقوق اکرام زن و برخورد کریمانه با وی را از حقوق اساسی او دانسته و می‌فرماید: «از حقوق زن آن است که او را گرامی داشته و با او مهربان باشی» (ابن بابویه ۱۴۱۳: ج ۵، ص ۶۲۱). امام صادق علیه السلام

گذشت و چشم‌پوشی در برابر خطاهای همسر را از زمره‌ی حقوق زن در خانواده دانسته‌اند (طبرسی ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۴۱۴). همچنین در روایات دیگری مسرور ساختن همسر (ابن بابویه ۱۳۷۶: ج ۵، ص ۱۹)، نهی از آزار زبانی همسر (همان ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۱۴)، نهی از نگاه غضب‌آلود به همسر (نوری ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۴۰)، عذرپذیری و عذرخواهی (ابن بابویه ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۹۱) و... توصیه و تأکید شده است. حتی در مرحله‌ای بالاتر از توصیه و در مهربانی کردن و خوش‌خلقی زوجین با یکدیگر، دین اسلام هر یک از زن و مرد را به صبر در برابر بدخلقی دیگری دعوت کرده و برای صابرین در برابر همسر بداخلاق، اجر و پاداش بسیار زیادی را وعده می‌دهد. در روایتی از نبی خدا ﷺ است که فرمودند: «ما من امرأة تحمل من زوجها كلمة الا كتب الله لها بكل كلمة ما كتب من الاجر للصائم والمجاهد في سبيل الله عز وجل»؛ «زنی که بر کلمه‌ای که از شوهرش شنیده صبر کند، خداوند برای او برای هر کلمه، پاداشی برابر با اجر روزه‌دار مجاهد در راه خداوند عَزَّوَجَلَّ را می‌نویسد» (نوری ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۴۵) و نیز ایشان در این باره فرموده‌اند: «من صبر علی سوء خلق امراته اعطاه الله من الاجر ما اعطى ایوب علی بلائه و من صبرت علی سوء خلق زوجها اعطاها الله مثل ثواب آسیة بنت مزاحم»؛ «هر مردی که در برابر بدخلقی همسرش صبر پیشه کند، خداوند، پاداشی که به ایوب (در صبر) بر بلایش عطا نمود، به او بدهد و هر زنی که در برابر بداخلاقی شوهرش شکیبایی ورزد، خداوند همانند ثواب آسیه بنت مزاحم به او عطا

کند» (طبرسی ۱۴۱۲: ۲۱۳) این دعوت به صبر نیز نشان از اهتمام دین اسلام بر تشیید بنیاد خانواده و تلاش برای حفظ آن از سوی زن و مرد دارد.

در بخش دیگری از تعالیم اسلامی ملازمه‌ی اخلاق مداری با تکالیف زوجین در خانواده بیان شده و مشخصاً در کنار بیان هر یک از این تکالیف بر اصل معروف و مصادیق آن تأکید شده است. این ملازمه در پنج بخش؛ نفقه، مهریه، اجرت شیردهی، روابط جنسی و انحلال ازدواج بیان می‌شود.

۲-۱) اخلاق مداری در پرداخت نفقه

بیشتر بیان شد که مهم‌ترین تکلیف مرد در خانواده، سرپرستی خانواده است، لذا پرداخت‌های مالی نفقه، مهریه و اجرت شیردهی از مصادیق این تکلیف کلان به شمار می‌روند. آیات متعددی از قرآن کریم مردان را در انجام دادن این تکالیف، به رعایت اصل معروف که مبین جایگاه اخلاق مداری در کلام وحی است، توصیه نموده‌اند. در مقابل این دعوت، به زنان نیز درباره‌ی رعایت حقوق همسر همراه با درستکاری، خوش خلقی، بخشش، صبر و سازش توصیه شده است.

در پرداخت نفقه‌ی زوجه، توصیه به اخلاق مداری در آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره چنین مطرح شده است: «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف لا تکلف نفس الا وسعها»؛ «و خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، بر عهده‌ی پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود». این آیه‌ی شریفه با طرح «اصل معروف» به عنوان شرط پرداخت

نفقه، در حقیقت توصیه‌ای همه جانبه کرده و از سوی دیگر تکلیف خارج از توان بندگان را از دوش ایشان برداشته است؛ به این معنا که انجام شرط مذکور در توان مردان می‌باشد و برای تحقق آن می‌بایست تلاش کافی را انجام دهند.

توصیف به معروف نشان می‌دهد که پدران در مورد لباس و غذای مادر، باید آنچه را که شایسته و متعارف و مناسب حال اوست در نظر بگیرند، نه سختگیری کنند و نه اسراف (مکارم شیرازی ۱۳۵۳: ج ۲، ص ۱۸۸). امیرالمؤمنین علیه السلام کسب روزی حلال و ایجاد توسعه و رفاه در زندگی خانواده را از مصادیق حسن خلق مرد بر می‌شمارند (مجلسی ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲۹۵) و به این وسیله یک تکلیف شرعی را با اخلاق مداری پیوند می‌دهند. مطابق آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، زن نیز مکلف به تبعیت از تصمیمات همسر در جایگاه مدیر خانواده همراه با درستکاری و حفظ اسرار همسر شده است. همچنین در روایات اسلامی، سپاسگزاری از همسر در هنگام وفور نعمت و رضایتمندی و سازش با همسر در هنگام تنگدستی وی از ارزش‌های مؤکد برای زنان در خانواده به شمار می‌روند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «خیر نسائکم الّتی ان اعطیت شکر و ان منعت رضیت»؛ «از بهترین زنان شما کسی است که هنگامی که نعمتی به او می‌رسد شکرگزار باشد و هنگامی که نعمتی از او سلب می‌شود، راضی باشد» (نوری ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۱۶۱). در روایات متعدد دیگری نیز زنان از نهادن مسئولیت‌های

خارج از توان، بر دوش مرد و نیز شکایت از همسر در غیاب او نهی شده‌اند (همان: ج ۱۴، صص ۱۶۲ و ۲۴۲).

بنابراین می‌توان اذعان کرد، درحالی‌که مرد در پرداخت نفقه‌ی همسر خویش دعوت به تلاش هر چه بیشتر و رسیدگی شایسته به امور خانواده شده، زن نیز به صبر و سازش با وی در هنگام تنگدستی و شرایط سخت زندگی زناشویی و التزام به میانه‌روی و قناعت، توصیه شده است و این‌گونه بر همکاری و وحدت هر چه بیشتر زوجین تأکید شده است.

مصادیق دیگری از اخلاق مداری نیز در روایات معصومین علیهم‌السلام دیده می‌شود که از مهم‌ترین آنها، توصیه به زنانی است که در اقتصاد خانواده ایفای نقش می‌کنند. مطابق این روایات زن از منت گذاشتن بر همسر در امور مالی نهی شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «اگر زنی همه‌ی زر و سیم زمین را به خانه‌ی شوهر برد، و روزی بر او منت نهد...، اعمال خیرش نابود شود، مگر آنکه توبه کند و از شوهر عذر بخواهد» (طبرسی ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۳۸۵). همچنین فرموده‌اند: «ایما امرأة منت علی زوجها بمالها فتقول انما تاکل انت من مالی لو انها تصدقت بذالک المال فی سبیل الله لایقبل الله منها الا ان یرضی عنها زوجها»؛ «زنی که از روی منت گذاشتن به شوهرش بگوید: تو از مال من می‌خوری، اگر همه‌ی مالش را در راه خدا صدقه دهد از او پذیرفته نشود تا وقتی که شوهرش از او راضی گردد» (همان ۱۴۱۲: ۲۰۲) امام صادق علیه‌السلام نیز با بیانی دیگر، از ارتکاب چنین عملی نهی فرموده‌اند: «ایما امرأة قالت لزوجها

ما رایت قط من وجهک خیرا فقد حبط عملها؛ «هر زنی که به شوهر بگوید: من از تو تا کنون خیر ندیده‌ام همه‌ی اعمالش باطل می‌شود» (الحرالعالمی ۱۴۰۹: ج ۲۰، ص ۱۶۲).

در این فرمایشات، زن به اجتناب از منت گذاشتن بر همسر، که نوعی آزار زبانی به شمار می‌رود، ملزم شده و این تأکید بر نقش زن در ترک این ضد ارزش، به خاطر تکالیف مرد در انجام دادن وظیفه‌ی تأمین معاش خانواده و پرداخت نفقه‌ی زوجه است. در حقیقت، این روایات بر ترک منت بر همسر از سوی زنی توصیه و تأکید شده است که به دلیل تمکن مالی برتر، تأمین معاش خانواده را بر عهده دارد یا کمکی در این راستا می‌کند. چنین سفارشات، برای ایجاد محبت در خانواده و کمک به تثبیت نقش و حافظ عزت نفس مرد در جایگاه مدیر خانواده ارائه شده و درحقیقت از مهم‌ترین مصادیق اخلاق مداری در خانواده به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، معصومین علیهم‌السلام برای پرداخت پسندیده‌ی نفقه، بدون منت و با گشاده دستی و خوش خلقی به زوج توصیه‌های متعددی کرده‌اند (مجلسی ۱۴۱۴: ج ۶، صص ۱۱۷ و ۱۱۸).

۲-۲-۲) اخلاق مداری در دریافت مهریه

ملازمه‌ی اخلاق مداری با تکلیف زوج در پرداخت مهریه‌ی زوجه را می‌توان با تأمل در مفهوم واژگان قرآنی معادل مهریه، که «نحله» و «صدقات» است، دریافت نمود. آیه‌ی ۴ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء می‌فرماید: «وآتوا النساء

صدقاتهن نحلّه»؛ «مهریه‌ی زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید». این دو واژه، مفاهیم «بخشش بلاعوض» و «صدقت در پرداخت» را در بر دارند. نحلّه را که از ریشه‌ی «نحل» به معنای زنبور عسل است، در لغت به معنای بدهی و دین و نیز به معنای بخشش و عطیه دانسته‌اند و برای آن ویژگی‌های «پرداخت داوطلبانه» و «پرداخت بلاعوض و با طیب خاطر» را بیان کرده‌اند (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۴۷۸).

به اذعان استاد مطهری، مهریه نتیجه‌ی تدبیر ماهرانه‌ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها به یکدیگر به کار رفته است و استفاده از واژه‌ی «نحلّه» برای مهریه، کاملاً تصریح می‌کند که مهریه هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و پیشکشی و عطیه و هدیه ندارد (مطهری ۱۳۷۲: ۲۳۱ و ۲۳۶). بر این اساس، مفهوم پرداخت مهریه با رضایت خاطر، به ماهیت پیشکشی بودن آن باز می‌گردد و البته این ماهیت، به مفهوم نفی رکن حقوقی مهریه و حق زن بر دریافت آن نیست و تنها تأکید دین اسلام بر التزام به اخلاق مداری در پرداخت و دریافت این حق مالی زوجه را عیان می‌سازد.

صدقات نیز جمع صدقه و به معنای مهریه است (طریحی ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۱۹۹) و به اعتقاد برخی از اندیشمندان به مهریه صدقه یا صدق گفته می‌شود، زیرا نشانه‌ی راستین بودن علاقه‌ی مرد به زن است (مطهری ۱۳۷۲: ۲۰۴) و با انضمام «هن» به «صدقات»، تعلق این مال به شخص زن تأکید شده

است (طباطبائی ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۱۶۹). در آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء نیز پرداخت مهریه‌ی زنان با نیکویی تأکید شده است.

رسول خدا ﷺ در تأکید بر حق زن در دریافت مهریه می‌فرماید: «خدای متعال همه‌ی گناهان را می‌آمرزد، مگر کسی را که مهریه‌ی زن را به تأخیر افکند» (صحیفه‌ی امام رضا علیه السلام ۱۴۰۶: ۶۵)، همچنین امام صادق علیه السلام مردانی را که بدون اذن مهریه‌ی زنان را حلال بشمرند، در زمره‌ی سارقان نامیده‌اند (بروجردی ۱۳۸۶: ج ۳۰، ص ۹۶۷). این حق مالی زن، ضمانت حقوقی نیز دارد. به موجب ماده‌ی ۱۰۸۲ قانون مدنی، مهریه مالی است که به مجرد وقوع عقد نکاح، زن مالک آن می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید. به موجب ماده‌ی ۱۰۸۵ همان قانون، زن حتی می‌تواند تا پیش از دریافت مهریه، از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند، مشروط بر اینکه مهریه‌ی او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه‌ی زن نخواهد بود. چنین امتناعی که در منابع فقهی با عنوان «حق حبس» از آن یاد می‌شود، تنها شامل تمکین خاص زوجه است و در صورت وقوع اولین تمکین خاص، حق حبس وی ساقط می‌گردد. همچنین، فرض ساقط نشدن نفقه‌ی زوجه در صورت امتناع وی از تمکین خاص، تنها در صورت استفاده‌ی زوجه از حق حبس متصور است (نجفی: ج ۳۱، ص ۴۱).

در کنار تأکید دین اسلام بر حق زن نسبت به دریافت مهریه، در راستای ابرام بر اصول اخلاقی در خانواده، توصیه‌هایی به زنان مبنی بر ارزش

والای مهریه‌ی اندک و بخشش آن شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «هر زنی که مهریه‌اش را به شوهرش ببخشد، به هر مثقالی از طلا که بخشیده، ثواب آزاد کردن یک بنده است در راه خدا» (الحرّاعلمی ۱۴۰۹: ج ۲۱، ص ۲۸۴). ایشان همچنین، این گروه از زنان را در زمره‌ی کسانی دانسته‌اند که عذاب قبر از آنها برداشته می‌شود (همان: ۳۹۱). این فرمایشات، بُعد اخلاقی حق زن بر دریافت مهریه را بیان داشته و تنها جنبه‌ی ارشادی دارد و به نظر می‌رسد به دنبال تلطیف روابط مالی زن و شوهر و تضعیف نگاه معامله‌گرایانه در خانواده است.

توصیه به پرداخت نیکوی حق مالی زن و نیز اقدام زن به بخشش مهریه و تعیین اندک آن از دیدگاه خاص اسلام به موضوع مهریه و خانواده حکایت دارد. این‌گونه آموزه‌ها در عین حال که به جبران خسارت مالی برای زن - که با پرداختن به امور داخلی منزل و ایفای نقش‌های خطیر مادری و همسری در خانواده بروز می‌یابد - اقدام نموده، دریافت مهریه را نیز با موازین اخلاقی همراه کرده است، تا در صورت ناتوانی مرد به این پرداخت، روابط زوجین با تیرگی و نابودی مواجه نشود، لذا استحکام و استمرار نهاد مقدس خانواده اصلی بنیادین در تعالیم اسلامی به شمار می‌رود و این اصل، تنها با ملازمه‌ی اخلاق مداری و تکالیف زوجین در خانواده تحقق می‌یابد.

از تفاوت شیوه‌ی تعیین میزان نفقه و مهریه در فقه اسلامی نیز می‌توان به کارکرد خاص اخلاقی مهریه در دیدگاه اسلام پی برد. همان‌گونه که در بحث

نفقه آمد، تعیین میزان و شرایط نفقه‌ی زن متناسب با شأن و وضعیت وی پیش از ازدواج است، اما در نگاه اسلام، برای تعیین میزان مهریه در هنگام عقد نکاح شأن زن مؤثر نیست و تعیین مهریه تنها منوط به تراضی زن و مرد است (نجفی: ج ۳۱، ص ۳). قانون مدنی کشورمان نیز مستنبط از فقه اسلامی در ماده‌ی ۱۰۸۰، تعیین میزان مهریه را تنها به تراضی زن و مرد وابسته می‌داند.

۲-۲-۳) اخلاق مداری در پرداخت اجرت شیردهی

از دیگر حقوق مالی زن، اجرت شیردهی یا رضاع است. به طور کلی، در دیدگاه اسلام شیردهی طفل حق مادر وی محسوب می‌شود و زن می‌تواند به میل و اختیار خود از این حق بهره‌مند شده یا از آن صرف نظر کند. مرد حق تحمیل شیردهی به زن را ندارد و در صورت رضاعت طفل به وسیله‌ی مادر و مطالبه‌ی اجرت، مرد مکلف به پرداخت اجرت شیردهی به وی است (نجفی: ج ۳۱، ص ۲۷۵). در واقع، از آنجا که اجرت رضاع، نفقه‌ی فرزند محسوب می‌شود و پرداخت این نفقه، وظیفه‌ی پدر است، اجرت شیردهی زن بر عهده‌ی همسرش می‌باشد (طباطبائی: ۱۴۱۷: ج ۱۹، ص ۳۱۷).

آیه‌ی ۶ سوره‌ی مبارکه‌ی طلاق، چگونگی این روابط را ترسیم کرده است و در امور مرتبط با شیردهی طفل، زوجین را به ایجاد روابط مبتنی بر معروف توصیه می‌کند: «... فان ارضعن لکم فأتوهن اجورهن و اتمروا بینکم بمعروف و ان تعاسرتم فسترضع له اخری»؛ «و اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهند، اجرت ایشان را بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید و اگر کارتان

با هم به دشواری کشید، [زن] دیگری [بچه را] شیر دهد».

بر این اساس، شیردهی یکی از موضوعاتی است که می‌تواند موجبات اختلاف میان زوجین را فراهم کند، به همین دلیل، خداوند متعال با توصیه به احترام به نظرات یکدیگر و تأکید بر اصل مشورت در خانواده، اقدام به تسهیل روابط زوجین در این باره نموده و در این موضوع نیز بر روابط مبتنی بر معروف یا اخلاق مداری تأکید کرده است.

در قوانین کشور ما، به چگونگی محاسبه و دریافت اجرت شیردهی زن در صورت مطالبه‌ی وی از دادگاه اشاره‌ای نشده است و می‌توان گفت، این حق مالی زن بدون پیش‌بینی ضمانت اجرای حقوقی، مسکوت گذاشته شده است.

۲-۲-۴) اخلاق مداری در روابط جنسی زوجین

یکی از کارکردهای خانواده، ارضای مشروع نیاز جنسی زوجین است و در تمتع جنسی، که حق مشترک زن و شوهر است، هر دو در برابر دیگری مسئولیت دارند.

در دیدگاه اسلام، به دلیل آنکه رابطه‌ی جنسی زن و شوهر بر میزان استحکام نهاد خانواده و گسترش عفت جنسی در جامعه تأثیری انکارناپذیر دارد، علاوه بر تأکید بر حق جنسی زوجین، آموزه‌هایی با محوریت اصول اخلاقی توصیه شده، تا تمامی ظرفیت‌های این موضوع چه از حیث مادی و جسمی و چه از حیث روحی و عاطفی بارور شود. چرا که تنها با رعایت این

اصول رابطه‌ی جنسی زوجین می‌تواند نقش بی‌بدیل خویش در استحکام بنیاد خانواده را به تمام معنا تحقق بخشد. چنین رابطه‌ای، تأثیرات شگرفی در طهارت جسم و روح افراد جامعه خواهد داشت و می‌تواند در کنار التزام به ارزش‌هایی همچون حفظ حجاب و رعایت حدود شرعی روابط زن و مرد در اجتماع، به سلامت جنسی و اخلاقی جامعه بیانجامد.

توجه دین مبین اسلام به مسئله‌ی روابط جنسی زوجین تا آنجاست که در امر ازدواج ناتوانی هر یک از زوجین در برقراری رابطه‌ی جنسی در برخی موارد می‌تواند حق فسخ نکاح را برای طرف مقابل به دنبال داشته باشد. برخلاف امور مالی که ابهام و نقص در آنها همچون تعیین نشدن مهریه یا ناتوانی مالی مرد در اداره‌ی امور زندگی از موجبات فسخ نکاح قلمداد نمی‌شود (نجفی: ج ۳۰، صص ۳۲۰-۳۱۸). بر این اساس، قانون‌گذار کشور ما با تبعیت از احکام شرعی در مواد ۱۱۲۲ تا ۱۱۳۲ قانون مدنی، ابعاد حقوقی این موضوع را به تفصیل آورده است.

مصادیق اخلاق مداری در رابطه‌ی جنسی زوجین، با توجه به نیازهای متفاوت آنها در این حوزه، در روایات اسلامی بیان شده است که اغلب به مقدمات این رابطه باز می‌گردد.

در این راستا باید گفت با توجه به فرمایشات حضرات معصومین (علیهم‌السلام)، تمکین جنسی زن از شوهر، مشتمل بر مراتبی است. اصل کلی حاکم بر تمکین جنسی زن از شوهر آن است که زن نباید به درخواست همسرش

بدون وجود دلیل شرعی پاسخ منفی دهد و مکلف است حق وی را در این باره به طور کامل ادا کند، اما توصیه‌های اخلاقی وارده در این باره، بر نقش فعال زن در رابطه‌ی جنسی نیز تأکید می‌کنند.

این توصیه‌ها بیشتر شامل «لزوم خودآرایی و ابراز اشتیاق زن در هنگام خلوت با همسر»، «عرضه نمودن خود به شوهر» و «کاستن از حیا و خودداری و رفع موانع در برابر شوهر» است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان ویژگی‌های بهترین زنان می‌فرماید:

«ان من خیر نساءکم... و اذا خلا بها بذلت له ما اراد منها و لم تبدل له تبدل الرجل»؛ «از بهترین زنان، زنی است که هنگامی که همسرش با وی خلوت کرد، آنچه را شوهر از او درخواست می‌کند، برآورده سازد و خودآرایی و اشتیاق را، آنچنان که مرد ترک می‌نماید، ترک نکند» (ابن بابویه ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۸۹). در این کلام، «التبذُّل» به معنای «ترک خودآرایی و زینت و نیز ترک بروز آمادگی و اشتیاق با حالتی زیبا و نیکو همراه با تواضع» (ابن منظور ۱۴۱۴: ج ۱۱، ص ۵۰) و «تهیاً للأمر» از ریشه‌ی «هیأ» و به معنای «برای آن کار آماده شد و به آن روی آورد» می‌باشد (مهیار ۱۴۱۰: ۲۷۰)، لذا یکی از شرایط و مصادیق اخلاق مداری در تمکین جنسی زن این است که در هیچ حالتی، حتی هنگامی که مرد اشتیاقی به سمت زن نشان نمی‌دهد، خودآرایی و زینت و همچنین بروز اشتیاق و آمادگی به سوی مرد با بهره‌گیری از حالاتی زیبا و نیکو را ترک نکند. به این مفاهیم در روایات دیگری نیز اشاره شده و

زن را به افزایش اشتیاق و آمادگی، کم کردن حیا و نیز رفع موانع رابطه‌ی جنسی توصیه کرده است (کلینی ۱۴۰۷: ج ۵، صص ۳۲۴ و ۳۲۶؛ الحرّالعملی ۱۴۰۹: ج ۲۰، ص ۱۶۴).

یکی دیگر از توصیه‌های مطرح شده به زن این است که زن خود را به شوهر عرضه کند. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «تعرض نفسها علیه غدوه و عشیه»؛ «زن خود را هر صبح و شام به شوهر خود عرضه کند» (کلینی ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۵۰۸). اهمیت کیفیت روابط جنسی زوجین در دین اسلام، تا به آنجاست که در این باره، در منابع دینی، روایاتی با مضامین جزئی مشاهده می‌شود که شیوه‌ی برخورداری زوجین از مباشرت مطلوب را تبیین نموده است (طبرسی ۱۴۱۲: ۲۳۸).

چنین احادیثی حکایت از آن دارد که دین مبین اسلام وظیفه‌ی زن در تمکین جنسی را فراتر از رفع حاجت مرد می‌داند و از همین روست که بر تأثیر و نقش فعالانه‌ی زن در روابط زناشویی تصریح و تأکید می‌کند.

از سوی دیگر، در پاره‌ای از روایات، توصیه‌هایی به مردان مبنی بر لزوم آراستگی و زینت و نیز انجام دادن امور مقدماتی در مباشرت با همسر دیده می‌شود که در راستای افزایش کیفیت روابط زناشویی و توجه به نیازهای زوجه بوده و اهمیت نقش مرد در حفظ عفت زن را متذکر می‌گردد.

در این روایات، مردان به آراستگی با خضاب و خودآرایی و التزام به نظافت دعوت می‌شوند. در این باره از حسن بن جهم نقل شده: «بر حضرت

امام هفتم علیه السلام وارد شدم که رنگ سیاه بسته بود، عرض کردم: فدایت شوم، رنگ سیاه بسته‌اید؟ فرمود: در خضاب پاداشی است، خضاب و خودآرایی بر عفت زنان می‌افزاید، همانا زنانی عفت خود را رها می‌کنند که شوهرانشان خود را نمی‌آریند و ژولیده و کثیف می‌مانند» (همان ۱۳۵۶: ج ۱، ص ۱۵۰). همین روایت از امام رضا علیه السلام نیز این‌گونه نقل شده است: «به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: خضاب فرموده‌اید؟ فرمود: آری با حنا. مگر نمی‌دانی که این کار سودی فراوان دارد. زن دوست دارد در تو همان زینتی را ببیند که تو دوست داری در او ببینی، و زنانی از عفت بیرون شدند و فاسد گشتند و چنین نشدند مگر به دلیل کم توجهی شوهرانشان به آرایش خود» (همان: ۱۵۴) و در ادامه حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «پدرم از پدرانش علیه السلام خبر داد که زنان یهود از عفت بیرون رفتند و به فساد کشیده شدند، و چنین نشدند مگر با کم توجهی شوهران به آرایش و نظافت خود» و نیز فرمودند: «زن از تو همان را میل دارد که تو از او میل داری» (همان).

حضرت علی علیه السلام در این فرمایشات، توجه به نیاز ذاتی زن در وجود زینت و آراستگی در همسرش را تأکید کرده است و درحقیقت بی‌عفتی زن در چنین شرایطی را حاصل بی‌توجهی مردان به این نیاز زن دانسته‌اند.

همچنین در روایات اسلامی، به مردان در انجام مقدمات مقاربت توصیه‌های مؤکدی شده و ایشان را از انجام دادن روابط یک‌سویه که منجر به عدم تلذذ زن گردد، نهی فرموده است (همان: ۴۰۵؛ الحراعاملی ۱۴۰۹: ج ۲۰،

ص ۱۱۸).

۲-۲-۵) اخلاق مداری در انحلال ازدواج

از مسائل بسیار مهم در نظام حقوقی خانواده در اسلام وجود حق طلاق برای مردان می‌باشد که با توصیه‌های اخلاقی مؤکدی در چگونگی استفاده از چنین حقی همراه است. بر اساس تصریح قرآن کریم در آیات ۲۲۹ و ۲۳۱ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره به طور کلی، مردان در زندگی زناشویی بیش از دو راه پیش روی خود ندارند: «زندگی با زن به شایستگی و همراه با ادای حقوق وی» یا «طلاق وی با احسان و نیکی»، یعنی توصیه‌های اخلاق مدار دین اسلام در امر انحلال خانواده نیز جریان دارد. «حق طلاق» از آثار ریاست مرد بر خانواده است، که استفاده از آن بر اساس نصّ مقدس باید با اخلاق مداری همراه شود. در این آیات، معاشرت به معروف یک تکلیف شرعی برای مردان تلقی شده است؛ بنابراین در ادامه‌ی زندگی زناشویی باید وظایف خود را در قبال همسر به خوبی و شایستگی انجام دهد و چنانچه بخواهد از همسرش جدا شود، باید آن را نیز به نیکی و شایستگی تمام کند. خداوند متعال در موضوع جدایی زوجین نیز بر اصل معروف تأکید می‌نماید تا راه‌کاری برای ردّ این انحلال با رجوع مرد به زن در طلاق رجعی (طلاق: ۱) و امکان بازگشت دوباره‌ی زوجین به زندگی خانوادگی را فراهم آورد. در تحقق این راه‌کار، جدایی همراه با التزام به اصل معروف نقش مؤثری دارد. به علاوه در دیدگاه اسلام، شخصیت انسان‌ها حرمت ذاتی دارد

و این احترام نباید حتی در زمان بروز اختلافات و جدایی نیز شکسته شود.

۳) اصل «معاشرت به معروف» زوجین در قوانین موضوعه‌ی ایران

علی‌رغم آنکه در تنظیم روابط زن و شوهر، اخلاق بیش از قواعد حقوقی حکومت دارد، مع‌ذلک قانون‌گذار کشورمان در راستای حمایت حقوقی از اصل «حسن معاشرت زوجین در خانواده» و ضمن دو قالب ارشادی و اندازی، قوانینی در این باره وضع کرده است. قالب نخست که معطوف به مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی است، هر یک از زوجین را به حسن معاشرت و معاضدت در تشیید میبانی خانواده و تربیت فرزندان مکلف کرده است. گزاره‌ی قانونی دیگری که قالبی اندازی پذیرفته، عبارت است از ماده‌ی ۱۱۳۰ قانون مدنی که به موجب آن، در صورتی که دوام زوجیت، موجب عسرو حرج زوجه باشد، وی می‌تواند ضمن مراجعه به دادگاه درخواست طلاق کند.

در تحلیل مواد یاد شده، ابتدا باید اشاره کرد که حسن معاشرت و معاضدت زوجین در خانواده، از جمله مفاهیمی هستند که تعیین مصادیق آنها با کمک عرف امکان‌پذیرند، چرا که اساساً حسن سلوک و مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی زوجین در مقابل یکدیگر، معانی عرفیه‌ای هستند که به اختلاف عادات و رسوم اجتماعی هر جامعه، متفاوت‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۵: ۱۵۹). بی‌تردید می‌توان گفت اموری که از نظر اجتماعی (عرف)، توهین محسوب می‌شوند همچون مشاجره، تحقیر، ناسزاگویی و ایراد ضرب

و نیز کلیه‌ی اموری که با عشق به کانون خانواده و اقتضای محبت میان زوجین منافات دارد مانند ترک خانواده، بی‌اعتنایی به همسر و خواسته‌های او و اعتیادات مضر، از مصادیق سوء معاشرت در خانواده به شمار می‌آیند. همچنین همیاری و همدلی زوجین در اداره‌ی خانواده و رسیدگی و حمایت از یکدیگر در مواقع بیماری و درماندگی از مصادیق عرفی «معاضدت در خانواده» محسوب می‌شوند (کاتوزیان ۱۳۸۸: ۲۰۲ و ۲۰۳). بدین ترتیب، هر چند تکالیف قانونی یاد شده، واجد ماهیت اخلاقی‌اند، از نظر حقوقی بدون ضمانت اجرا نمانده‌اند؛ چنان‌که بی‌مبالاتی زوجه در حسن معاشرت و معاضدت نشوز وی را محرز و مستند به ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی حق نفقه‌ی زوجه را ساقط می‌کند. در مقابل به موجب ماده‌ی ۱۱۳۰ همان قانون، سوء معاشرت و کوتاهی زوج در ایفای این وظایف که موجب عسر و حرج زوجه شود، می‌تواند موجب مستند حق درخواست طلاق از سوی زوجه و استماع دعوی وی توسط دادگاه شود.

نتیجه‌گیری

تکالیف زوجین از دیدگاه اسلام عبارت از تبعیت از فرامین الهی برای هر یک از زوجین در خانواده است که در پیوند با طبیعت یا تکوین هر یک از زن و مرد می‌باشد. در این دیدگاه، ازدواج و نهاد خانواده اهمیت بسیار والایی دارد. دین مقدس اسلام، در راستای استمرار و استحکام روابط زوجین در خانواده و کمک به تحقق اهداف تشکیل خانواده که بر اساس نصّ قرآن

کریم عبارت از مودت، رحمت و ایجاد آرامش است، تمامی تکالیف زوجین را در ملازمه با توصیه‌های اخلاق مدار بیان نموده و زن و مرد را در انجام دادن تکالیف خویش، به برقراری اصل معروف دعوت نموده است. به علاوه دین اسلام در تمامی مراحل ازدواج، از خواستگاری تا انحلال ازدواج، بر این توصیه‌های اخلاق مدار مبتنی بر اصل معروف و با مصادیقی چون اتخاذ قول معروف، ادای حقوق مالی زن به شایستگی، صبر و سازش زوجین در برابر مشقات زندگی زناشویی، جدایی با احترام و نیکویی و ... تأکید کرده است. قانون‌گذار کشورمان نیز با تبعیت از فقه امامیه، قوانینی را در راستای حمایت از اصول اخلاقی در خانواده مقرر کرده تا بدین وسیله، تخطی از این اصول، از ضمانت اجرای حقوقی کافی برخوردار باشد.

در پایان، راهبردهایی که تحقق آنها می‌تواند حُسن انجام تکالیف زوجین در خانواده و پیوند عمیق این تکالیف با اخلاق و رأفت اسلامی را در پی داشته باشد، پیشنهاد می‌شود:

۱- به رغم نظر فقیهان شیعه که مطالبه‌ی اجرت‌المثل کارهای منزل و شیردهی -که به غیر تبرع انجام شده باشد- را منصرف به زمان طلاق ندانسته و در وقت زوجیت نیز جایز می‌دانند، مع‌ذلک به موجب تبصره‌ی ۶ اصلاحی ماده واحده‌ی قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، مطالبه‌ی این حق فقط در هنگام طلاق و آن هم در صورتی که درخواست طلاق از جانب زوجه نباشد، امکان‌پذیر است. بدیهی است این امر، برخلاف آموزه‌های فقهی و

اخلاق اسلامی می‌باشد و اصلاح آن حداقل دو ثمره‌ی اساسی در پی خواهد داشت: نخست آنکه می‌تواند معضل تعیین مبالغ هنگفت بابت مهریه را مرتفع نماید و مهریه را که اکنون تا حد زیادی از قالب صداق (نشانه‌ی محبت زوج به زوجه) خارج شده و شکل معامله‌گرایانه به خود گرفته است، به خاستگاه اصلی فرهنگی و عاطفی خویش بازگرداند. دیگر اینکه پشتوانه‌ی مالی مطمئن و وسیله‌ی دلگرمی، عزت و اعتماد به نفس زنان و مادرانی خواهد بود که به توصیه‌ی دین مبین اسلام، وظیفه و رسالت اصلی خویش را اداره‌ی امور منزل، شوهرداری، فرزندآوری و تربیت فرزند قرار می‌دهند.

۲- آنچه مؤثرترین نقش را در حفظ، گرمابخشی و در نهایت تشدید کانون مقدس خانواده ایفا می‌کند، آشنایی هر چه بیشتر زوجین با تکالیف شرعی و قانونی ایشان در کنار یادگیری آموزه‌های اخلاقی دین مبین اسلام پیرامون مناسبات موجود در خانواده است؛ لذا شایسته است متولیان فرهنگ و دین در کشور ما اهتمام جدی به این امر داشته و آموزش این مفاهیم را در آموزش‌های رسمی و فرهنگ عمومی در صدر وظایف خویش قرار دهند به نحوی که با گفتمان‌سازی، این مطلب به صورت فرهنگ غالب در جامعه مشاهده گردد.

منابع

- ◀ قرآن کریم
- ◀ ابن ابی جمهور، محمدبن زین الدین ۱۴۰۵ق. *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، قم، دار سید الشهداء.
- ◀ ابن بابویه، محمدبن علی ۱۴۱۳ق. *من لا یحضره الفقیه*، قم، اسلامی.
- ◀ _____ ۱۳۶۷. *من لا یحضره الفقیه*، ترجمه‌ی علی اکبر و محمد جواد غفاری و صدر بلاغی، تهران، صدوق.
- ◀ ابن منظور، محمدبن مکرم ۱۴۱۴ق. *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
- ◀ امامی، سیدحسن ۱۳۷۶ش. *حقوق مدنی*، تهران، اسلامیّه.
- ◀ بروجردی، سیدحسین ۱۳۸۶ق. *منابع فقه شیعه* (ترجمه‌ی جامع احادیث الشیعّه)، تهران، فرهنگ سبز.
- ◀ بهرامی احمدی، حمید ۱۳۸۹ش. *قواعد فقه (قاعده لاضرر)*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ◀ پاینده، ابوالقاسم ۱۳۸۲ش. *نهج الفصاحه* (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم)، تهران، دنیای دانش.
- ◀ جعفری لنگرودی، محمدجعفر ۱۳۵۵ش. *حقوق خانواده*، تهران، حیدری.
- ◀ جوادی آملی، عبدالله ۱۳۸۵ش. *حق و تکلیف در اسلام*، قم، اسرا.
- ◀ حرعاملی، محمدبن حسن ۱۴۰۹ق. *وسائل الشیعّه*، قم، مؤسسه‌ی آل‌البتیّه علیهم السلام...
- ◀ خسروشاهی، قدرت الله ۱۳۸۳ش. *فلسفه حقوق*، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی

امام خمینی رحمته الله.

- ◀ خوئی، سیدابوالقاسم ۱۴۱۰ ق. *منهاج الصالحین*، قم، مهر.
- ◀ راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۲ ق. *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.
- ◀ زندی، محمدرضا ۱۳۸۹ ش. *رویه قضایی در امور خانواده (تمکین، ازدواج مجدد)*، تهران، جنگل.
- ◀ طباطبائی، سید محمدحسین ۱۴۱۷ ق. *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، اسلامی.
- ◀ _____ ۱۳۸۴. *زن در قرآن*، تحقیق محمد مرادی، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبائی.
- ◀ طبرسی، حسن بن فضل ۱۴۱۲ ق. *مکارم الأخلاق*، قم، شریف رضی.
- ◀ _____ ۱۳۶۵. *مکارم الاخلاق*، ترجمه‌ی ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی.
- ◀ طریحی، فخرالدین بن محمد ۱۳۷۵ ش. *مجمع البحرین*، تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.
- ◀ علی بن موسی علیه السلام ۱۴۰۶ ق. *صحیفه الرضا علیه السلام*، ترجمه‌ی علاء الدین حجازی، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
- ◀ کاتوزیان، ناصر ۱۳۸۸ ش. *حقوق مدنی: خانواده*، تهران، بهمن برنا.
- ◀ _____ ۱۳۸۶. *ضمان قهری؛ مسئولیت مدنی*، تهران، دهخدا.
- ◀ _____ ۱۳۷۲. *قواعد عمومی قراردادها*، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.
- ◀ کلینی، محمد بن یعقوب ۱۴۰۷ ق. *الکافی*، دار الکتب الإسلامیة.

- ◀ مجلسی، محمد باقر ۱۴۰۳ق. بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ◀ _____ ۱۳۶۵. کتاب الآداب و السنن بحار الأنوار، ترجمه‌ی محمدباقر کمره‌ای، تهران، اسلامیة.
- ◀ _____ ۱۳۷۸. کتاب الإیمان و الکفر بحار الأنوار، ترجمه‌ی عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، عطارد.
- ◀ مجلسی، محمدتقی ۱۴۱۴ق. لوامع صاحب قرانی (مشهور به شرح فقیه)، قم، اسماعیلیان.
- ◀ مصباح یزدی، محمدتقی ۱۳۷۰. دروس فلسفه اخلاق، تهران، اطلاعات.
- ◀ مطهری، مرتضی ۱۳۷۲. نظام حقوق زن در خانواده، تهران، صدر.
- ◀ _____ ۱۳۸۵. یادداشت‌های استاد، تهران، صدرا.
- ◀ مهریزی، مهدی ۱۳۷۶. شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، علمی و فرهنگی.
- ◀ مهیار، رضا ۱۴۱۰ق. فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، تهران، اسلامی.
- ◀ نجفی، شیخ محمدحسن. جواهر الکلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ◀ نوری، حسین‌بن محمد تقی ۱۴۰۸ق. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه‌ی آل‌البتیة.
- ◀ هانس، کلسن ۱۹۸۶م. النظریه المحضه فی القانون، اکرم الوتری، بغداد، البحوث القانونیه.